

نقش مهاجرت فصلی نیروی کار در معیشت خانوارهای روستایی (مطالعه‌ی موردی: شهرستان سروآباد - استان کردستان)

محمد سلمانی* - استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
محمد رضا رضوانی - استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
مهدی پورطاهری - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه مدرس
فرزاد ویسی - دانشجوی دکترای جغرافیا، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۵/۱۵ تأیید نهایی: ۱۳۸۹/۱۱/۴

چکیده

مهاجرت‌های روستایی - شهری، از موضوع‌های مهم در مطالعات توسعه‌ی شهری - روستایی است. رویکرد معیشتی از جدیدترین رویکردها برای بیان این پدیده است. هدف پژوهش حاضر، تحلیل آثار مهاجرت‌های فصلی بر سرمایه‌های معیشتی خانوارهای مهاجر و غیرمهاجر است، به این منظور، رویکرد معیشتی به‌عنوان نظریه‌ی تحلیلی به‌کار گرفته شده است. در این رویکرد، دارایی‌های معیشتی خانوارها به پنج دسته، شامل سرمایه‌های طبیعی، فیزیکی، انسانی، اجتماعی و مالی تقسیم می‌شود که بهبود و بالابردن این سرمایه‌ها باعث بهبود معیشت خانوار و توسعه روستایی خواهد شد. محدوده‌ی این مطالعه، شهرستان سروآباد در استان کردستان است. جامعه‌ی آماری این پژوهش تمام خانوارهای روستایی دارای مهاجر فصلی و غیرمهاجر شهرستان سروآباد است. تعداد خانوارهای شهرستان ۱۱۷۰۰ خانوار (جامعه‌ی آماری) است که با استفاده از روش کوکران، ۳۲۴ پرسش‌نامه به‌عنوان حجم نمونه تهیه شد. تعداد روستاهای شهرستان ۶۵ روستا است که ۲۰ درصد روستاها (۱۳ روستا) به‌صورت تصادفی برای نمونه‌گیری انتخاب و در هر روستا ۲۴ پرسش‌نامه با روش انتساب متناسب به‌صورت تصادفی بین دو گروه توزیع و تکمیل شد. یافته‌های تحقیق نشان داد، سرمایه‌های طبیعی و اجتماعی در میان خانوارهای غیرمهاجر (کشاورز) بیشتر و در مقابل سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و مالی در میان خانوارهای مهاجر بالاتر است. میانگین سرمایه‌ی کلی نیز در خانوار مهاجر بالاتر از خانوارهای غیرمهاجر است. در نهایت، می‌توان این‌گونه بیان کرد که مهاجرت فصلی خانوارهای روستایی در شهرستان سروآباد اثر مثبتی بر دارایی‌های سرمایه‌ای خانوارهای دارای مهاجر فصلی داشته که نتیجه‌ی آن بالارفتن دارایی‌های معیشتی خانوار، کاهش فقر و کاهش آسیب‌پذیری خانوارهای روستایی بوده است؛ در نتیجه، مهاجرت فصلی نیروی کار روستایی در شهرستان سروآباد به شهرها، به‌عنوان راهبرد معیشتی خانوارهای روستایی در حفظ و بالابردن معیشت خانوار و توسعه‌ی روستایی مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت فصلی، رویکرد معیشتی، مهاجرت‌های روستایی - شهری، اقتصاد روستایی، شهرستان سروآباد.

مقدمه

مهاجرت پدیده‌ای است که موضوع تحقیق زمینه‌های گوناگون علوم از جمله جغرافیا، اقتصاد، علوم اجتماعی و انسان‌شناسی و همچنین علوم کشاورزی قرار گرفته است. پژوهشگران این رشته‌ها هر کدام به جنبه‌ای از پدیده‌ی مهاجرت پرداخته و آن را مورد تحلیل قرار داده‌اند؛ بدین‌سان، مهاجرت پدیده‌ای بین‌رشته‌ای تلقی می‌شود. مهاجرت از دید جغرافی‌دانان شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می‌شود (سبزیان، ۱۳۷۴، ۸۳). مهاجرت روستایی - شهری یکی از انواع مهاجرت‌هاست که در چند دهه‌ی گذشته بیشترین توجه را در دنیای در حال توسعه به خود جلب کرده است و برای نخستین بار از جانب فردی به نام "گراهام" به کار برده شد (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱، ۱۵۲).

مهاجرت فصلی یکی از انواع مهاجرت‌هاست که در طبقه‌بندی، جزو مهاجرت‌های موقت یا غیردائم محسوب می‌شود. در واقع، مهاجرت‌های روستایی شکل و قالب‌های گوناگونی دارند که از نظر نوع اقامت می‌توان آنها را به دو نوع تقسیم کرد: ۱- مهاجرت قطعی (دائمی)؛ ۲- مهاجرت فصلی^۱ (موقت^۲ یا چرخشی^۳).

۱- مهاجرت دائمی: به آن دسته از مهاجرت‌ها گفته می‌شود که روستاییان به دلایل بسیار، روستا و موطن خود را ترک کرده و برای همیشه با خانوار خود به شهرها می‌روند و در آن‌جا اسکان می‌یابند که در بیشتر موارد با ترک فعالیت کشاورزی همراه است.

۲- مهاجرت فصلی: مفهوم مهاجرت چرخشی یا فصلی برای اولین بار در دهه‌ی ۱۹۷۰ بیان شد (Rao, 1994; Nelson, 1976). اگرچه قبل از آن "تودارو" به‌طور گذرا به آن اشاره کرده بود (تودارو، ۱۳۶۷، ۷۸). از مهاجرت فصلی تعاریف گوناگونی شده است. عده‌ای معتقدند به آن دسته از مهاجرت‌ها که کشاورزان در مواقع بیکاری، سالانه به مناطق دیگر به‌ویژه شهرها رفته و چند ماهی از سال را به ارائه‌ی خدمت در آن مناطق می‌پردازند و با شروع فصل کشاورزی به روستای خود بازمی‌گردند، مهاجرت فصلی گفته می‌شود (چیزی و دیگران، ۱۳۸۵، ۲۹۶).

از نظر "دشینگکار"^۴ مهاجرت فصلی یا چرخشی، ویژگی کوتاه‌مدت، تکراری یا دوره‌ای داشته و بر اساس دوره‌ی سالانه‌ی کشاورزی هماهنگ شده است (Deshingkar & Start, 2003, 2). آنچه در این میان مهم است، دو ویژگی بارز این‌گونه مهاجرت‌ها یعنی فصلی بودن و ماهیت تکرارشونده آن است. مهاجران فصلی مانند تمام مهاجران دیگر، خانوار را در بخشی از سال برای جست‌وجوی کار ترک می‌کنند، اما دوباره نزد خانوار بازمی‌گردند و بین فصول فعالیت در مزرعه، اقدام به مهاجرت می‌کنند (Debraw & Hiragaya, 2004, 7). این نوع مهاجرت از دیرباز در کشورهای مختلف رواج داشته و بیشتر در مناطق کوهستانی دیده می‌شود که فصل سرما طولانی و دوره‌ی کشاورزی کوتاه است. عده‌ای دیگر، مهاجرت فصلی را به دلیل کمبود زمین می‌دانند. این موضوع اثبات شده که نسبت زمین به انسان، عاملی

1. Seasonal
2. Temporary
3. Circular
4. Deshingkar

عمده در تصمیم‌گیری کارگران روستایی برای مهاجرت فصلی به دیگر نواحی است (Heberfield and et al, 1999, 473). عامل دیگری که روی تصمیم خانوار برای مهاجرت فصلی اثر می‌گذارد، نابرابری ناحیه‌ای در رشد اقتصادی به‌ویژه نابرابری در توسعه کشاورزی و صنعتی و شرایط حاشیه‌ای منطقه است (Ibid, 473). علاوه بر کمبود زمین و کسب درآمد بیشتر در نواحی شهری به‌طور خاص اگر نابرابری شهری - روستایی زیاد باشد مهاجرت فصلی رُخ می‌دهد (Debraw & Hiragaya, 2004, 7). مهاجرت فصلی این برتری را دارد که به روستاییان امکان کسب درآمد در زمانی که فعالیت کشاورزی امکان‌پذیر نیست را می‌دهد؛ همچنین مهاجرت نیروی کار در کشورهای در حال توسعه بیشتر از آن که دائمی باشد، جنبه‌ی چرخشی و دوره‌ای دارد (Gill, 1991, 132). بنابراین در همه‌جای دنیا مهاجرت فصلی معلول یک عامل خاص نیست، گمان می‌رود که مجموعه‌ای از دلایل ذکر شده در به‌وجودآمدن مهاجرت فصلی و چرخشی نقش داشته باشند که بسته به شرایط نواحی، ممکن است نقش یکی از این عوامل مهم‌تر باشد. از آن‌جاکه مهاجران فصلی در آمارگیری جزو روستاییان شمرده می‌شوند، آمار دقیقی از آنها در اختیار نیست (Deshingkar & Farrington, 2009, 25)؛ برای نمونه، برآورد می‌شود در هند ۲۰۰ میلیون نفر و در چین ۱۲۰ میلیون نفر مهاجر فصلی وجود دارد، ولی در آمارگیری‌ها از آنها سخنی به میان نمی‌آید (Mendola, 2006, 2).

سازوکار مهاجرت فصلی با وجود همانندی تفاوت‌هایی نیز با سایر اشکال مهاجرت دارد، از جمله اینکه این نوع مهاجرت بیشترین تأثیر را در مبدأ دارد. انتقال درآمد کسب‌شده یا پول‌های ارسالی^۱ از جانب مهاجران فصلی به دلیل نوع زندگی در شهر و امکان صرفه‌جویی در هزینه‌ها، بر اقتصاد محلی تأثیر می‌گذارد. پول‌های حواله‌ای یا ارسالی که وارد روستا می‌شود صرف‌نظر از اینکه در مصرف و یا در تولید سرمایه‌گذاری شود، اثر مثبتی بر شکوفایی اقتصادی دارند (اسکلدون، ۱۳۸۴، ۳). درواقع روستاییان در این‌گونه روستاها یک راهبرد را برای معیشت خود انتخاب نمی‌کنند، بلکه با توجه به شرایط و امکانات از راهبردهای مختلفی استفاده می‌کنند (Rafique, 2003, 4) که یکی از این راهبردهای معیشتی، مهاجرت فصلی است.

شروع مهاجرت فصلی نیروی کار در شهرستان سروآباد، به دهه‌ی ۱۳۴۰، هم‌زمان با افزایش ارتباطات و سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی در شهرها بازمی‌گردد. انجام اصلاحات ارضی، رشد بالای جمعیت روستایی ناشی از بهبود مراقبت‌های بهداشتی و بالارفتن سطح زندگی، همچنین ایجاد نابرابری‌های منطقه‌ای و رشد تفاوت‌های درآمدی شهری - روستایی به این مهاجرت‌ها شتاب بیشتری داد. از آن زمان تا کنون، این نوع مهاجرت به کلانشهرهای کشور، به‌ویژه تهران ادامه دارد و هرساله عده‌ای از روستاییان محدوده‌ی مورد مطالعه - بیشتر در فصل انجام فعالیت کشاورزی و گاهی در سایر فصل‌ها - به کلانشهرهای کشور به‌ویژه تهران مهاجرت کرده و پس از چند ماه فعالیت به روستای خود بازمی‌گردند. مقصد مهاجرت‌های تابستانی تهران و مقصد مهاجرت‌های زمستانی جنوب کشور و بیشتر استان‌های خوزستان و هرمزگان است. شهر تهران به دلیل در اختیار گذاشتن فرصت‌های شغلی مناسب، به‌ویژه در فصل تابستان، مقصد اصلی مهاجران فصلی است. شهرهای بندری و صنعتی دو استان جنوبی مذکور نیز به دلیل وجود فرصت‌های

شغلی، مقصد اصلی مهاجران فصلی در زمستان هستند. مهاجرت فصلی در تمام روستاهای شهرستان جریان دارد، با این حال ممکن است برخی از روستاها به دلیل در اختیار داشتن زمین بیشتر و فرصت‌های شغلی دیگر، مهاجر فصلی کمتر و برخی دیگر مهاجر بیشتری داشته باشند. گمان می‌رود به‌طور متوسط، در حدود نیمی از نیروی کار روستایی به این نوع مهاجرت اقدام می‌کنند. در دهه‌ی گذشته، تعداد مهاجران فصلی روند کم‌وبیش ثابتی را داشته است که می‌تواند هم ناشی از افزایش فرصت‌های شغلی در شهر مریوان - به دلیل هم‌جواری و وجود بازرگانی خارجی - و هم به دلیل کاهش شتاب جمعیت ورودی به سن فعالیت باشد. روند پیش‌روی مهاجرت فصلی در آینده، تابع وضعیت اشتغال در روستاهای مبدأ و شهرستان سروآباد و حتی شهرستان همسایه (مریوان) است. افزایش فرصت‌های شغلی در نواحی مذکور، کاهش تعداد مهاجران و کاهش فرصت‌های شغلی در این نواحی، افزایش تعداد مهاجران فصلی را در پی خواهد داشت. به نظر می‌رسد مهاجرت فصلی نیروی کار روستایی، تأثیر چشمگیری در معیشت خانوارهای روستایی داشته باشد به طوری که برای برخی از این خانوارها تنها منبع درآمد در طول سال به‌شمار می‌آید و برای بخشی دیگر از خانوارها این نوع مهاجرت، نقش عمده‌ای در حفظ معیشت آنها دارد. سؤال پژوهش این است که "مهاجرت فصلی نیروی کار چه تأثیری بر معیشت خانوارهای روستایی دارای فرد مهاجر فصلی داشته است؟" نوع مهاجرت مورد نظر این پژوهش، مهاجرت فصلی فردی روستایی - شهری نیروی کار روستایی است.

مبانی نظری

از گذشته‌های دور، روابط گوناگونی میان شهر و روستا وجود داشته که آنها را شامل روابط متقابل فضایی و روابط متقابل بخشی می‌دانند. در روابط متقابل فضایی، جریان جمعیت، کالا، پول، اطلاعات، پسماندها و در جریان روابط متقابل بخشی، فعالیت‌های روستایی در نواحی شهری و برعکس فعالیت شهری در نواحی روستایی شکل می‌گیرد (طاهرخانی، رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۳، ۸۹ و ۸۷). گروهی از محققان نیز این روابط را شامل جریان‌های طبیعی، مردم، غذا، پول، ایده‌ها و فرهنگ می‌دانند (لینچ، ۱۳۸۶، ۲۲).

پژوهشگران ایران کمتر به موضوع مهاجرت فصلی نیروی کار روستایی پرداخته‌اند، در واقع، پژوهشی انجام نشده است که به بررسی آثار اقتصادی مهاجرت فصلی پرداخته باشد. پژوهش‌های انجام شده که بسیار محدود هستند یا به بررسی وجود مهاجرت فصلی یا به آثار اجتماعی مهاجرت فصلی پرداخته‌اند. پژوهش‌های خارج از کشور در این زمینه نیز بسیار محدود هستند.

از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ مطالعه‌ای در مورد کارگران روستایی در استان‌های کردستان و سیستان و بلوچستان انجام شد. در این مطالعه مشخص شد، دست‌کم یک یا دو نفر از اعضای خانوار، بخشی از سال را به صورت مهاجر فصلی به کار در شهر می‌پردازند (مرتضوی، ۱۳۸۳، ۱۸۳). مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۶ در مطالعه‌ای نتیجه‌گیری کرد که سه چهارم مهاجرت‌ها به صورت فردی انجام می‌شود و بخش زیادی از این مهاجرت‌های فردی به صورت فصلی و موقت انجام گرفته است.

مرکز پژوهش‌های دهقانی و روستایی در سال ۱۳۵۷ در دهستان سرخه از توابع شهرستان سمنان، به‌طور مشخص از

مهاجرت فصلی روستاییان نام می‌برد و علت آن را کم بودن میزان زمین کشاورزان می‌داند (همان، ۵۱). زنجان نیز در مطالعه‌ای که در سال ۱۳۸۰ در مورد مهاجرت انجام داد بخشی از مهاجران را جزء مهاجران موقت طبقه‌بندی کرده است (زنجان، ۱۳۸۰، ۱۸). دو تحقیق انجام شده دیگر نیز به‌طور مشخص، به بررسی وضعیت اجتماعی و فرهنگی کارگران فصلی در مقصد پرداخته‌اند (مشفق و یاراحمدی، ۱۳۸۶؛ ناطق‌پور و مقصودی، ۱۳۸۰، ۵). محمد عفتی در پژوهشی که در سه استان (گلستان، کرمانشاه و چهارمحال و بختیاری) انجام داد به بررسی آثار مهاجرت فصلی مردان بر وضعیت اجتماعی زنان روستایی در سه استان مذکور پرداخته است (عفتی، ۱۳۸۳، ۸). فضیله‌خانی در مقاله‌ای به بررسی تأثیر مهاجرت فصلی مردان بر کارکرد زنان روستایی در بندپی شرقی مازندران پرداخته است (خانی، ۱۳۸۳).

در پژوهش‌های خارجی، مایکل تودارو برای نخستین بار در مورد مهاجرت فصلی یا چرخشی بحث کوتاهی کرده است. او این نوع مهاجرت را برای به‌دست‌آوردن درآمدهای تکمیلی از طرف نیروی کار روستایی می‌داند (تودارو، ۱۳۶۷، ۷۸). در دهه‌ی ۱۹۷۰ این نوع از مهاجرت وارد ادبیات مهاجرتی شد و ماهیت تکراری و چرخشی آن بیشتر از تأثیرات اقتصادی مورد توجه بود (Rao, 1994, 73; Nelson, 1976, 34).

بن روگالی^۱ در مجموعه مقالاتی به بررسی وضعیت مهاجران فصلی و تأثیر آنها در مبدأ و مقصد از نظر اجتماعی پرداخته است (Rogaly, 1998, 2001, 2002, 2003 a,b). دبراو نیز در دو مقاله به بررسی تأثیر مهاجرت فصلی نیروی کار بر کشاورزی و ارتقای استانداردهای زندگی آنها در ویتنام پرداخته و نتیجه گرفته که مهاجرت فصلی، اثر مثبت بر کشاورزی دارد و استانداردهای زندگی روستاییانی که مهاجرت فصلی دارند را بالا می‌برد (Debraw, 2007; Debraw & Hiragaya, 2004).

استارک^۲ نیز در مقاله‌ای به اثر مهاجرت فصلی نیروی کار از لهستان به آلمان پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد که مهاجرت فصلی نقش مهمی در اقتصاد خانوارهای مهاجر دارد (Stark and Simon Fan, 2007). هبرفیلد^۳ و همکاران در پژوهشی در مورد هند نتیجه گرفتند که علت اصلی مهاجرت فصلی روستاییان، کمبود زمین بوده و این نوع مهاجرت، تأثیر مهمی بر اقتصاد خانوارهای روستایی دارد. دشینگکار و ستارت^۴ نیز در مطالعه‌ای در مورد هند به این نتیجه رسیدند که مهاجرت فصلی برای دسترسی به حداقل‌داری‌های معیشتی انجام می‌شود. جیل^۵ نیز پژوهشی در مورد مهاجرت فصلی نیروی کار در نپال انجام داد و نتیجه گرفت که شروع مهاجرت فصلی، معلول شرایط مکانی - فضایی، به‌ویژه ارتفاع است (Deshingkar & Start, 2003; Heberfield and et al., 1999; Gill, 2003).

رفیکو^۶ و روگالی نیز در پژوهشی به بررسی آثار مهاجرت فصلی بر آسیب‌پذیری افراد مهاجر در هند پرداخته‌اند و به

1. Ben Rogaly
2. Stark
3. Heberfield
4. Start
5. Gill
6. Rafique

این نتیجه رسیدند که مهاجران فصلی، آسیب‌پذیرترین قشر مهاجران هستند که معمولاً مورد سوءاستفاده صاحب‌کاران قرار می‌گیرند (Rafique and Rogaly, 2003).

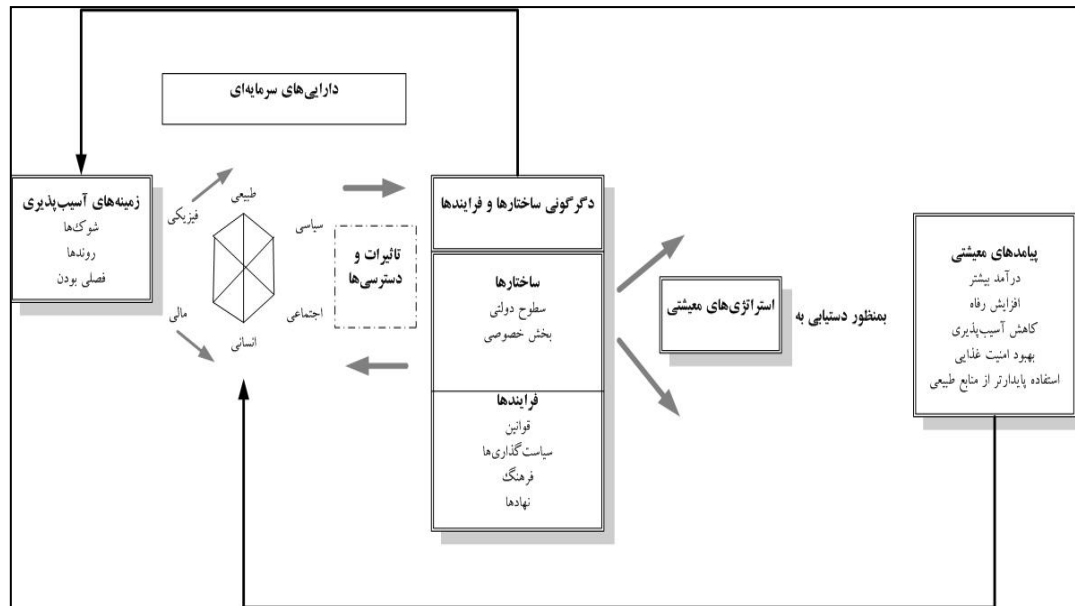
رویکرد معیشتی دیدگاهی جدید به موضوع مهاجرت دارد که با دیدگاه‌های گذشته تفاوت دارد. این رویکرد، مهاجرت را به‌عنوان شیوه‌ای برای معیشت می‌نگرد و با پذیرش آثار مثبت آن، کارایی‌های مهاجرت را مرتبط با وضعیت ناحیه‌ای می‌داند که مهاجرت در آن اتفاق می‌افتد. رویکرد معیشتی از دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی آغاز و بیشتر با کارهای رابرت چمبرز^۱ شناخته می‌شود.

معیشت به معنی زندگی و زنده بودن^۲، توانایی‌ها^۳، دارایی‌ها و فعالیت‌هایی^۴ است که برای زندگی و زنده بودن مورد مورد نیاز است (Chambers, 2005, 5). معیشت طبق آنچه تعریف شد، مشتمل بر توانایی‌ها، دارایی‌ها (شامل هر دو بُعد مادی و منابع اجتماعی) و فعالیت‌هایی است که برای زندگی مورد نیاز است. در واقع معیشت تنها شامل فعالیت‌هایی که درآمدی را برای خانوار تولید می‌کند، نیست؛ بلکه نهادهای اجتماعی، روابط فراخانواری، سازوکارهای دسترسی به منابع در طول دوره‌ی زندگی را نیز دربرمی‌گیرد. محققان این رویکرد معتقدند که مردم در نواحی در حال پیشرفت و کشورهای جهان سوم، معیشت خود را در میان این مجموعه از دارایی‌ها و سرمایه‌ها شکل می‌دهند و شناخت معیشت آنها از طریق شناخت این چارچوب‌ها امکان‌پذیر است. رویکرد معیشتی، فقر را فراتر از ناکافی بودن درآمد می‌داند (Wedington, 2003, 5).

همان‌طور که گفته شد در رویکرد معیشتی، منابع به پنج مورد تقسیم می‌شوند که اعضای خانوار به آن دسترسی داشته یا مالک آن هستند:

- ۱- سرمایه‌ی انسانی (مهارت، آموزش، سلامتی)؛
 - ۲- سرمایه‌ی فیزیکی (کالاهای سرمایه‌ای تولیدی، ساختمان‌ها، ابزار، جاده‌ها و...)
 - ۳- سرمایه‌ی مالی (پول، پس‌اندازها، دسترسی به وام و قرض)؛
 - ۴- سرمایه‌ی طبیعی (زمین، آب، درخت، دام و غیره)؛
 - ۵- سرمایه‌ی اجتماعی (شبکه‌ها و اتحادیه‌ها) (Eliis, 2003, 5).
- این دارایی‌ها نمایی کلی است و شامل همه منابعی که مردم می‌توانند با آن معیشت خود را بسازند، نمی‌شود. رویکرد معیشتی مفهومی مردم‌محور و کلی‌گرایانه است تا از این راه، دیدگاهی یکپارچه از چگونگی زندگی مردم درون شرایط متحول اجتماعی، نهادی، سیاسی، اقتصادی و محیطی ترسیم کند. راهبرد معیشتی را می‌توان به‌عنوان انتخابی آگاهانه و راهبردی از ترکیب فعالیت‌های خانوارها و اعضای آن و افراد به‌عنوان وسیله‌ای برای بقا، امنیت و بهبود معیشت آنها تعریف کرد (De Haas, 2007, 2).

1. Robert chamber
2. Living
3. Capabilities
4. Activities



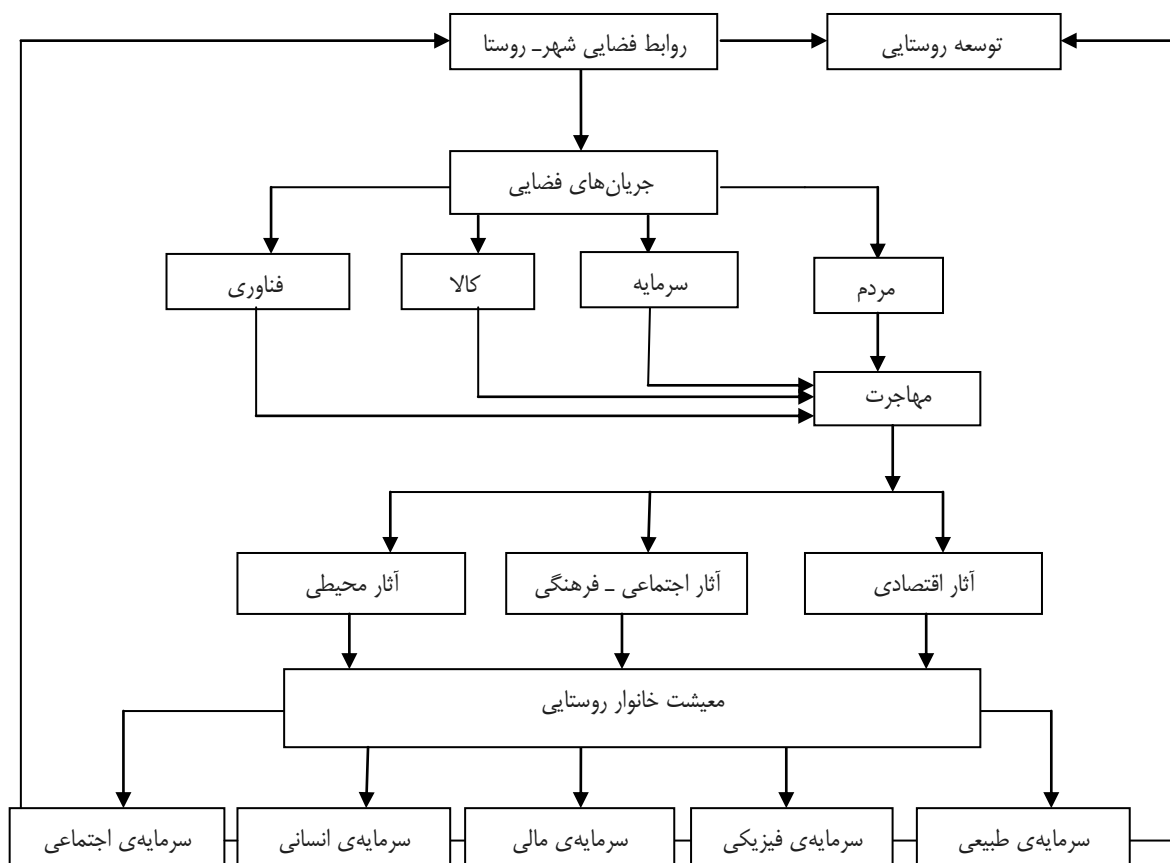
شکل ۱. چارچوب اصلی معیشت

منبع: (Timalsina, 2007, 29)

سونز^۱ سه نوع از راهبردهای معیشتی را در کشورهای در حال توسعه ذکر کرده است که خانوارهای روستایی برای حفظ معیشت خود انتخاب می‌کنند: ۱- کشاورزی فشرده و گسترده؛ ۲- متنوع کردن معیشت شامل کار برای دستمزد و راه‌اندازی کسب‌وکار در روستا؛ ۳- مهاجرت از روستا (Timalsina, 2007, 32). در این صورت مهاجرت می‌تواند به‌عنوان یکی از راهبردهای خانوارهای روستایی برای متنوع کردن درآمد، اطمینان‌بخشی و بهبود اساسی معیشت خانوارها مطرح باشد که بیشتر با راهبردهای دیگری مثل کشاورزی فشرده و فعالیت‌های غیرزراعی محلی ترکیب می‌شود. رویکرد معیشتی می‌تواند به‌عنوان چارچوبی برای فهم و تحلیل بهتر مهاجرت‌های فصلی به کار رود. این رویکرد در مورد توسعه بر واقعیت‌های زندگی مردم تمرکز دارد. پژوهش‌های تجربی در مورد معیشت روستایی ثابت کردند که مهاجران داخلی و بین‌المللی، بعد از مهاجرت نیز پیوندهای نزدیک خود را با اجتماع مبدأ حفظ می‌کنند (De Haan and McDowell, 1997, 1). این موضوع درست نیست که افراد یا مهاجرت از مبدأ را انتخاب می‌کنند یا در مبدأ ماندگار بوده و مهاجرت نمی‌کنند، بلکه معمولاً هر دو کار را با هم انجام می‌شود.

درواقع، مهاجرت دائم از روستا به شهر یا ماندگاری در روستا نباید به‌عنوان تمام گزینه‌ها دیده شود، بلکه اغلب ترکیب می‌شوند؛ یعنی فرد روستایی هم به شهر مهاجرت فصلی دارد و هم کشاورزی را در روستا ادامه می‌دهد و از فعالیت کشاورزی و کار در شهر درآمدی را کسب می‌کند و با این روش می‌تواند درآمد خود را از کشاورزی - به‌دلیل کم بودن میزان زمین - جبران کند.

با توجه به سؤالات و اهداف تحقیق و دیدگاه‌های مربوط به رویکرد معیشتی مدل مفهومی پژوهش حاضر به صورت زیر است.



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

منبع: نگارندگان

روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ محتوا از نوع پژوهش‌های کاربردی و از نظر ماهیت از نوع توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای است. در این مطالعه، متغیر مستقل مهاجرت فصلی نیروی کار و متغیر وابسته معیشت خانوارهای روستایی است که مشتمل بر پنج نوع سرمایه است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه خانوارهای دارای مهاجر فصلی و غیرمهاجر فصلی روستایی (خانوارهای کشاورز) شهرستان سروآباد است. روش جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش میدانی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه بوده است؛ همچنین از روش اسنادی نیز برای جمع‌آوری داده‌های تکمیلی استفاده شده است.

رویکرد مورد استفاده، رویکرد معیشتی است که به‌تازگی مطرح شده است. در این رویکرد معیشت افراد و خانوارهای روستایی از پنج بخش تشکیل شده و شامل سرمایه‌های مالی، انسانی، طبیعی، فیزیکی، اجتماعی است. بر این اساس، دو نوع پرسش‌نامه با گویه‌های مناسب، تهیه و تنظیم شد و پس از انجام روایی پرسش‌نامه‌ها با مشورت کارشناسان، از آزمون آلفای کرونباخ جهت پایایی پرسش‌نامه (که عدد ۰/۸۶ به‌دست آمد) استفاده شد. درنهایت، پس از رفع اشکال‌های

موجود، با استفاده از فرمول کوکران، تعداد پرسش‌نامه‌های مورد نیاز ۳۲۴ به دست آمد. این تعداد پرسش‌نامه در بهمن و اسفند ۱۳۸۸ در میان خانوارهای دو گروه، به‌طور مساوی و به‌صورت تصادفی به تعداد ۲۴ پرسش‌نامه در هر روستا توزیع و تکمیل شد.

روستاهای شهرستان سروآباد به‌صورت طبیعی در سه خوشه قرار گرفته‌اند که شرایط طبیعی و دسترسی متفاوتی دارند. برای نمونه‌گیری از میان ۶۵ روستای شهرستان، ۲۰ درصد از این روستاها به‌صورت تصادفی انتخاب شده است که شامل ۱۳ روستا می‌شود.

شاخص‌ها، نشانگرها و تعداد گویه‌های مورد استفاده در جدول شماره (۱) ذکر شده است.

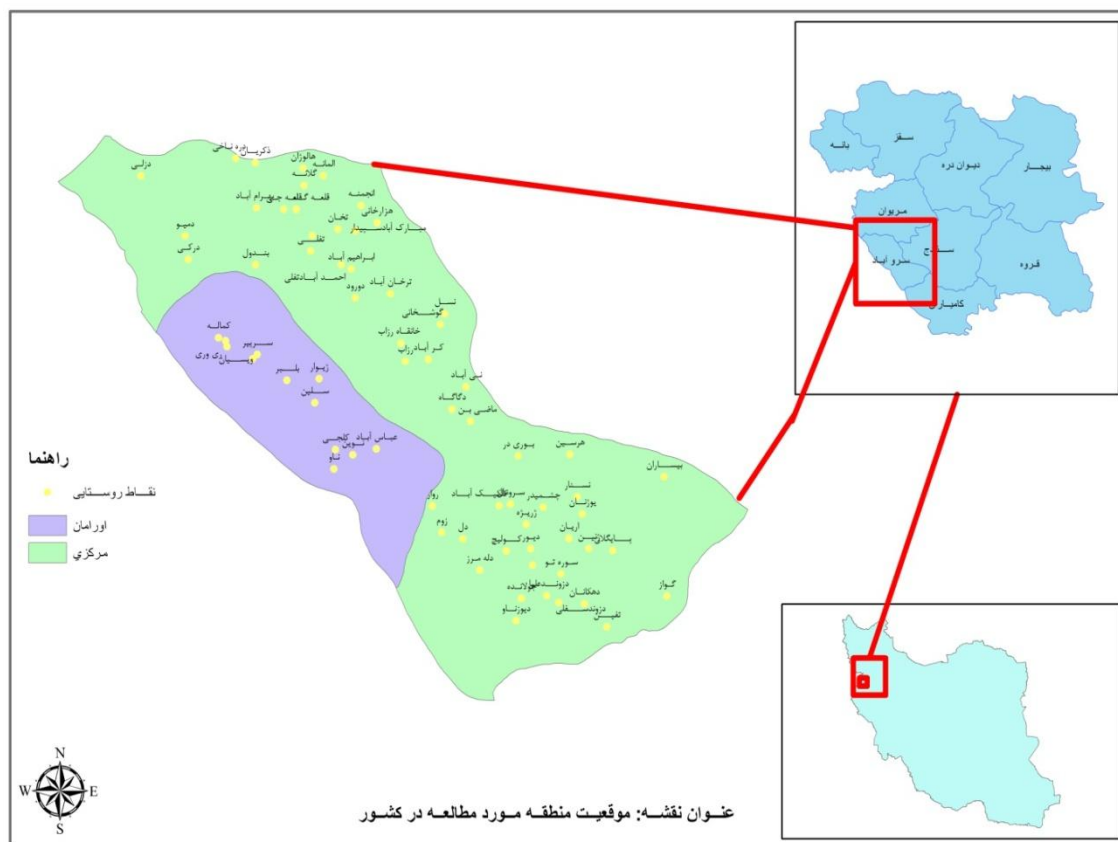
جدول ۱. شاخص‌ها، نشانگرها، و گویه‌های تحقیق

تعداد گویه	نشانگر	شاخص	
۱۲	مسکن - ابزار و ماشین‌آلات کشاورزی - وسایل خانگی - وسایل ارتباطی	سرمایه‌ی فیزیکی	۱
۱۳	زمین آبی - زمین دیم - باغ - دام - حق مرتع - حق آبه	سرمایه‌ی طبیعی	۲
۱۲	اعتماد - همبستگی اجتماعی - مشارکت	سرمایه‌ی اجتماعی	۳
۱۰	مهارت خانوار - آموزش خانوار - سلامت خانوار	سرمایه‌ی انسانی	۴
۱۰	پس‌انداز - دسترسی به وام - سهام در انواع آن	سرمایه‌ی مالی	۵
۵۷	۱۹ نشانگر کل سرمایه‌ها	سرمایه‌ی کلی (پنج سرمایه)	۶

داده‌ها با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند، در این رابطه از آزمون‌های t برای مقایسه‌ی سرمایه‌ها استفاده شده و جداول مورد نیاز از آن استخراج شده است.

منطقه‌ی مورد مطالعه

شهرستان سروآباد، یکی از شهرستان‌های استان کردستان است که در غرب این استان واقع شده است. این شهرستان از غرب با کشور عراق، از شمال با شهرستان مریوان، از شرق به شهرستان سنندج و از جنوب به شهرستان کامیاران محدود می‌شود. مرکز این شهرستان، شهر سروآباد است. این شهرستان دو بخش (مرکزی و اورامان) ۸ دهستان و ۸۲ روستا دارد که با کنار گذاشتن روستاهای تخلیه شده، مکان‌ها، اردوگاه‌های پناهندگان عراقی، روستاهای قرار گرفته در محدوده‌ی شهر سروآباد و روستاهای زیر ۵ خانوار، تعداد روستاهای مسکونی شهرستان ۶۵ روستا است. برپایه‌ی سرشماری ۱۳۸۵، این شهرستان ۵۳۹۹۲ نفر جمعیت داشته و ۱۰۰۲ کیلومتر مربع مساحت دارد.



شکل ۳. نقشه‌ی تقسیمات اداری و موقعیت شهرستان در کشور و استان

یافته‌های تحقیق

در ادامه به ارائه‌ی یافته‌های تحقیق در مورد مقایسه‌ی پنج سرمایه‌ی معیشتی و سرمایه‌ی کلی^۱ در میان خانوارهای دو گروه دارای مهاجر فصلی و غیرمهاجر پرداخته می‌شود.

سرمایه‌ی طبیعی

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که در طیف لیکرت (مقیاس ۵ نمره‌ای) میانگین سرمایه‌ی طبیعی در غیرمهاجران (۲/۱۳) کم‌وبیش بالاتر از مهاجران (۱/۶) است. این تفاوت بنابر آزمون t برای نمونه‌های مستقل در سطح ۱ درصد خطا، معنادار است ($p < ۰/۰۱$). پایین بودن میزان سرمایه‌ی طبیعی در میان خانوارهای مهاجر غیرمعمول نیست؛ چرا که اگر سرمایه‌های طبیعی خانوارهای مهاجر بیشتر بود به‌طور کل مهاجرت اتفاق نمی‌افتاد. همان‌طور که گفته شد، دلیل اصلی مهاجرت فصلی، کم بودن میزان زمین کشاورزی است و چون میزان زمین کشاورزی، نیازهای خانوار را تأمین نمی‌کند، در نتیجه مهاجرت اتفاق می‌افتد.

۱. سرمایه‌ی کلی، مجموع انواع سرمایه‌های معیشتی خانوار است.

جدول ۲. آزمون مقایسه‌ی سرمایه‌ی طبیعی در مهاجران و غیرمهاجران

شاخص‌ها	جامعه آماری	N	میانگین	انحراف معیار	t	df	سطح معناداری
سرمایه‌ی طبیعی	مهاجران	۱۶۰	۱/۶۳۲۲	۰/۵۵۹۴۲	۷	۱۲۲	۰/۰۰۰
	غیر مهاجران	۱۶۲	۲/۷۳۹۱	۱/۴۶۱۴۶			

سرمایه‌ی انسانی

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که در طیف لیکرت (مقیاس ۵ نمره‌ای) میانگین سرمایه‌ی انسانی در مهاجران (۳/۵۱) کم‌وبیش بالاتر از غیرمهاجران (۳) است. این تفاوت، بنابر آزمون t برای نمونه‌های مستقل در سطح ۱ درصد خطا، معنادار است ($p < ۰/۰۱$). به‌نظر می‌رسد بالاتر بودن میزان سرمایه‌ی انسانی در میان خانوارهای دارای مهاجر، به‌دلیل تأثیر مهاجرت فصلی باشد که بر مهارت، آموزش و سلامت نیروی کار و خانوار دارای مهاجر فصلی تأثیرگذار بوده است. در این صورت مهاجرت فصلی، علاوه بر اینکه هزینه‌های مورد نیاز را برای آموزش و مهارت خانوار تأمین کرده، اهمّیت موضوع را نیز برای خانوار بالا برده است که نشان‌دهنده‌ی یادگیری اجتماعی مهاجران در طیّ مهاجرت است.

جدول ۳. آزمون مقایسه‌ی سرمایه‌ی انسانی در مهاجران و غیرمهاجران

شاخص‌ها	جامعه آماری	N	میانگین	انحراف معیار	t	df	سطح معناداری
سرمایه‌ی انسانی	مهاجران	۱۶۱	۳/۵۱۳۲	۰/۵۷۵۶۸	۵/۷	۲۲۷	۰/۰۰۰
	غیر مهاجران	۱۶۰	۳/۰۲۴۰	۰/۷۲۴۴۸			

سرمایه‌ی مالی

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که در طیف لیکرت (مقیاس ۵ نمره‌ای) میانگین سرمایه‌ی مالی در مهاجران (۳/۲۸) کم‌وبیش بالاتر از غیرمهاجران (۲/۹) است. این تفاوت بنابر آزمون t برای نمونه‌های مستقل در سطح ۱ درصد خطا، معنادار است ($p < ۰/۰۱$). بالاتر بودن میزان سرمایه‌ی مالی در میان خانوارهای دارای مهاجر فصلی نشان‌دهنده‌ی اثر مثبت مهاجرت است. این موضوع از آن‌جا با اهمّیت است که با وجود پایین بودن سرمایه‌ی طبیعی که یکی از منابع اصلی تولید درآمد است، میزان سرمایه‌ی مالی گروه مهاجران بیشتر از گروه غیرمهاجران است.

جدول ۴. آزمون مقایسه‌ی سرمایه‌ی مالی در مهاجران و غیرمهاجران

شاخص‌ها	جامعه آماری	N	میانگین	انحراف معیار	t	df	سطح معناداری
سرمایه‌ی مالی	مهاجران	۱۵۹	۳/۲۸۲۰	۰/۵۹۴۷۴	۳/۶	۲۲۲	۰/۰۰۰
	غیر مهاجران	۱۶۰	۲/۹۱۹۴	۰/۹۱۰۶۹			

سرمایه‌ی اجتماعی

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که در طیف لیکرت (مقیاس ۵ نمره‌ای) میانگین سرمایه‌ی اجتماعی در مهاجران (۳/۳۹) کم‌وبیش کمتر از غیرمهاجران (۳/۷۸) است. این تفاوت، بنابر آزمون t برای نمونه‌های مستقل در سطح ۱ درصد خطا، معنادار است ($p < ۰/۰۱$). احتمال می‌رود پایین بودن میزان سرمایه‌ی اجتماعی در میان مهاجران به دلیل غیبت چندماهه‌ی مهاجران در محیط روستا و نبود منافع اقتصادی مشترک با روستاییان کشاورز باشد که باعث می‌شود انگیزه‌ی مشارکت در کارهای جمعی و همبستگی اجتماعی در میان مهاجران و خانوارهایشان کمتر از گروه خانوارهای کشاورز باشد. به‌هرحال، گروه غیرمهاجران کسانی هستند که روابط هماهنگ‌تری نسبت به مهاجران دارند و به‌واسطه‌ی ارزش‌ها و هنجارهای سنتی حاکم در روستا از سرمایه‌ی اجتماعی بیشتری نیز برخوردارند.

جدول ۵. آزمون مقایسه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در مهاجران و غیرمهاجران

شاخص‌ها	جامعه آماری	N	میانگین	انحراف معیار	t	df	سطح معناداری
سرمایه‌ی اجتماعی	مهاجران	۱۶۰	۳/۳۹۶۹	۵/۱۱۳۷	۵/۲۲	۲۲۵	۰/۰۰۰۵
	غیر مهاجران	۱۶۲	۳/۷۸۷۹	۰/۶۱۷۱۴			

سرمایه‌ی فیزیکی

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که در طیف لیکرت (مقیاس ۵ نمره‌ای) میانگین سرمایه‌ی فیزیکی در مهاجران (۴/۵۶) بالاتر از غیرمهاجران (۴/۴۲) است. این تفاوت بنابر آزمون t برای نمونه‌های مستقل در سطح ۱ درصد خطا، معنادار است ($p < ۰/۰۱$). بالا بودن سرمایه‌ی فیزیکی خانوارهای دارای مهاجر فصلی به این معنی است که این خانوارها درآمد کشاورزی نداشته یا از کشاورزی درآمد بسیار کمی دارند، اما درآمد آنها از مهاجرت فصلی به اندازه‌ای است که از مسکن بهتر، کالاهای بادوام بیشتر و وسایل حمل‌ونقل بیشتری برخوردارند. بی‌گمان، درآمد حاصل از مهاجرت فصلی امکان سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های فیزیکی را برای آنها فراهم کرده است.

جدول ۶. آزمون مقایسه سرمایه فیزیکی در مهاجران و غیر مهاجران

شاخص‌ها	جامعه آماری	N	میانگین	انحراف معیار	t	df	سطح معناداری
سرمایه‌ی فیزیکی	مهاجران	۱۵۹	۴/۵۶۸۳	۰/۲۶۳۱۸	۴/۲۲	۲۲۵	۰/۰۰۰۵
	غیر مهاجران	۱۶۲	۴/۴۲۸۹	۰/۲۳۴۷۷			

سرمایه‌ی کلی

جدول ۷ میانگین سرمایه‌ی کلی دو گروه مهاجران و غیرمهاجران را در طیف لیکرت (مقیاس ۵ نمره‌ای) نشان می‌دهد. همچنان که می‌بینیم میانگین سرمایه‌ی کلی مهاجران (۳/۵۱) بیشتر از میانگین غیرمهاجران (۳/۱۹) است. بنابر آزمون t در سطح ۱ درصد خطا معنادار است؛ یعنی با ۹۹ درصد اطمینان، گروه مهاجران سرمایه‌ی بیشتری از گروه غیرمهاجران داشته‌اند. از آن‌جا که سرمایه‌ی کلی مجموع کل سرمایه‌های خانوار است، می‌تواند نمایی کلی از وضعیت دو گروه را به‌خوبی نشان دهد. بر این اساس می‌توان این‌گونه نظر داد که در مجموع سرمایه‌ها نیز وضعیت گروه خانوارهای مهاجر بهتر از غیرمهاجران است. این موضوع به‌خوبی نشان‌دهنده‌ی اثر مثبت مهاجرت فصلی بر معیشت خانوارهای روستایی دارای مهاجر فصلی است.

جدول ۷. آزمون مقایسه‌ی دو گروه مهاجران و غیرمهاجران از نظر سرمایه‌ی کلی

شاخص‌ها	جامعه آماری	N	میانگین	انحراف معیار	t	df	سطح معناداری
سرمایه‌ی کلی	مهاجران	۱۶۱	۳/۵۱	۰/۳۵	۶/۷۴	۲۲۸	۰/۰۰۰
	غیر مهاجران	۱۶۰	۳/۱۹	۰/۳۵			

نتیجه‌گیری

رویکرد معیشتی، توسعه‌ی روستایی را در ارتقای پنج دارایی معیشتی می‌بیند. این رویکرد با تأکید بر پنج دارایی سرمایه‌ای، دیدگاهی فراتر از نگاه اقتصادی را در مورد توسعه‌ی روستایی دارد. مهاجرت فصلی به‌عنوان یکی از انواع مهاجرت‌های روستایی - شهری در ناحیه‌ی مورد مطالعه، تأثیر مهمی بر دارایی‌های معیشتی خانوارهای روستایی و در نتیجه ارتقای توسعه آنها دارد. همان‌گونه که دیدیم، مقایسه‌ی میانگین دارایی‌های دو گروه، نشان‌دهنده‌ی بیشتر بودن سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و مالی در میان خانوارهای مهاجران است و دو سرمایه‌ی اجتماعی و طبیعی در خانوارهای غیرمهاجر کشاورز، بیشتر از خانوارهای دارای مهاجر فصلی است؛ همچنین سرمایه‌ی کلی خانوارهای دارای مهاجر، بیشتر از خانوارهای کشاورز است. مهاجرت فصلی نیروی کار به شهرها و بیشتر تهران، راهبرد معیشتی این گروه از خانوارها است و کارکرد مهاجرت برعکس آنچه اغلب فکر می‌شد منفی نیست، بلکه آثار مثبت آن بر دارایی‌های سرمایه‌ای خانوارها مشهود و انکار نکردنی است، جدا از کسب درآمد، این نوع مهاجرت سبب افزایش دارایی‌های فیزیکی، مالی و انسانی نیز می‌شود. انتقال پول‌های ارسالی یا حواله‌ای یکی از مهم‌ترین موارد در روند مهاجرت فصلی نیروی کار به روستاست. انتقال این سرمایه‌ها از شهر به روستا نقش عمده‌ای در حفظ و ارتقای معیشت روستاییان و ارتقای شاخص‌های توسعه برعهده دارد. با توجه به رویکرد معیشتی می‌توان این‌گونه اظهار داشت که مهاجرت فصلی نیروی کار سبب افزایش رفاه، کاهش فقر و کاهش آسیب‌پذیری در ناحیه‌ی مورد مطالعه شده و این نوع مهاجرت در ناحیه‌ی مورد مطالعه کارکرد مثبت زیادی دارد. با توجه به این پیش‌فرض که مهاجران به‌دلیل کمبود فرصت‌های شغلی اقدام به مهاجرت فصلی می‌کنند؛ اگر مهاجرت فصلی انجام نمی‌شد، در این صورت نبود فرصت‌های شغلی و منابع درآمدی سبب

افزایش فقر و نابرابری، کاهش رفاه و افزایش آسیب‌پذیری خانوارهای روستایی می‌شد. بایستی توجه داشت که مهاجرت فصلی، راهبرد خانوارهای روستایی ناحیه‌ی مورد مطالعه برای حفظ و بهبود معیشت آنهاست. در شرایطی که محیط طبیعی محدوده، جواب‌گوی نیازهای سالانه‌ی خانوار - به‌دلایل گوناگونی از جمله پایین بودن نسبت انسان به زمین، کشاورزی سنتی و ضعیف، موقعیت حاشیه‌ای ناحیه و نبود امکان مهاجرت به‌صورت دائمی - نباشد، مهاجرت فصلی انجام می‌شود و در این شرایط مهاجرت فصلی نقش مهمی در بهبود معیشت خانوارهای مهاجرفرست دارد.

پیشنهادها

با توجه به سؤال تحقیق، مبانی نظری، یافته‌ها و نتیجه‌گیری، می‌توان پیشنهادهایی را برای مدیریت مناسب بر این نوع مهاجرت مطرح کرد که به شرح زیر است:

- ۱ - در صورتی که مدیریت مناسبی بر این نوع مهاجرت صورت گیرد، می‌توان انتظار داشت که نقش این نوع مهاجرت در ارتقای دارایی‌های سرمایه‌ای و در نتیجه بهبود معیشت خانوارها و توسعه‌ی روستایی افزایش یابد.
- ۲ - دیدگاهی که معتقد است مهاجرت موجب پیامدهای منفی در مبدأ و مقصد می‌شود، نیازمند بازنگری است. در صورت پذیرش نتایج مثبت مهاجرت، با آموزش مهارت و حرفه‌آموزی، به‌ویژه مهارت‌هایی که در راستای مشاغل فصلی افراد مهاجر باشد، می‌توان شانس کارایی در مقصد و افزایش سرمایه‌های معیشتی آنها را بیشتر کرد.
- ۳ - موضوع تأمین اجتماعی این افراد، به‌ویژه بیمه از موارد ضروری برای کمک به آنهاست. این افراد بیشتر به کارهای ساختمانی گرایش دارند که حوادث هنگام کار آمار بالایی دارد و بیشتر این افراد به‌دلیل فصلی بودن کار، بیمه ندارند، در نتیجه هنگام حادثه در هنگام کار، بیشتر آنها تمام سرمایه خود را از دست می‌دهند. توجه به بیمه‌ی این افراد از جانب کارفرما یا دولت می‌تواند کمک مهمی برای این افراد باشد.
- ۴ - برای متناسب کردن تعداد مهاجران فصلی باید هم‌زمان تنوع بخشی به منابع درآمدی خانوارها در مبدأ مورد نظر باشد. توسعه‌ی کشاورزی و راه‌اندازی دام‌داری و پرورش پرندگان به روش جدید می‌تواند ظرفیت پذیرش نیروی کار را افزایش دهد.
- ۵ - باغداری (به‌ویژه کشت توت‌فرنگی) و صنایع دستی از سابقه و پتانسیل بالایی در منطقه برخوردارند گسترش و بالابردن ظرفیت آنها می‌تواند بخشی از نیروی کار را جذب کند. توجه به دادوستد مرزی، گردشگری فرهنگی و ورزشی، کشت گلخانه‌ای نیز با برنامه‌ریزی مناسب، پتانسیل زیادی برای توسعه‌ی روستایی دارند.

منابع

- Barrow, C.J., 2006, **Environment Management for Sustainable, Development**, Routledge, London, UK.
- Chambers, R., 2005, **Ideas for Development**, Earth Scan Publication, London, Sterling VA.

- Chyzary, M., Bqayy, M., Noroozi, O., 2004, **Rural Migration Challenge for Developing Countries**, Scientific Monthly Social, Economic Jihad, Promoting Agriculture and Rural Development, No. 273, pp. 292-315.
- De haas, H., 2007, **Remittances, Migration and Social Development**, Conceptual Review of the Literature, Social Policy and Development, No. 37.
- De haas, ., 2007, **Remittances, Migration and Social Development**, a Conceptual Review of the Literature, Social Policy and Development Programme, No. 37.
- Debraw, A., Tomoko, H., 2004, **Seasonal Migration and Improving Living Standard in Vietnam**, American Journal of Agriculture Economics, 89, No.2, pp.430-447.
- Debraw, A., 2007, **Seasonal Migration and Agriculture in Vietnam**, ESA Working, No. 07-04.
- Deshingkar, P. and Farrington, 2009, **Circular Migration and Multilocal Livelihood Strategies in Rural India**, Oxford University Press.
- Deshingkar, P. and Start, 2003, **Seasonal Migration for Livelihood: Coping, Accumulation and Exclusion**, Working Paper, 220, ODI, London, UK.
- Effati, M., 2002, **Effects of Seasonal Migration of Men on Rural Women**, Journal of Rural Development, Year VII, No. 3.
- Ellis, F., 2003, **Human Vulnerability and Food Security: Policy Implication**, Forum for Food Security in Southern Africa, Theme Paper No. 3, London, Overseas.
- Ellis, F., 2003, **A Livelihood Approach to Migration and Poverty Reduction**, Papers Commissioned by the Development for International Development (DFID).
- Ellis, F., 2000, **Rural Livelihood and Diversity in Developing Countries**, Oxford University Press, Oxford, UK.
- Gill, G., 1991, **Seasonality and Agriculture in the Developing World**, Cambridge University Press, UK.
- Gill, G., 2003, **Seasonal Labor Migration in Rural Nepal: a Preliminary Overview**, ODI, Working Paper, No. 218.
- Heberfield, et al., 1999, **Seasonal Migration of Rural Labor in India**, Population Research and Policy Review, Vol. 18, Number /October 1999.
- Khani, F., 2002, **Effects of Single Male Migration on Women Working in Rural Areas (Case Study of Villages in Eastern Band Pei Sharghi Mazandaran)** Women's Studies Quarterly, No. 4.
- Lynch, K., 2005, **Interaction in Urban and Rural Areas of Developing Countries**, Translated Mohammad Reza Rezvani, Davoud Sheikhi, Payam, Tehran.
- Mcdowell, and De Haan, 1997, **Migration and Sustainable Livelihood; Critical Review of Literature**, Sussex Institute of Development Studies.
- Mortazavi Tabrizi, S.M., 2002, **Rural Migration to Urban Areas and Economic and Political Effect in Pahlavi Period**, Publishing Islamic Revolution Documents Center of Tehran.
- Moshfeq, M., Yarahmadi, A., 2005, **Unofficial Labor Market and Vulnerability**, the Iranian Association of Demography Magazine, Issue 3, Second Year, Tehran.

- Nateqpoor, J., Maqsoodi, M., 1999, **Review the Causes of Migration and Working Conditions of Some Seasonal Workers in Tehran**, Institute of Social Studies Faculty of Social Sciences of Tehran University.
- Nelson, J.M., 1976, **Sojourners versus New Urbanites: Causes and Consequences of Temporary versus Permanent City Ward Migration in Developing Countries**, Economics Development and Culture Chang, 24.4, pp.721-157.
- Rafique, A., Rogaly, B., 2003, **Internal Migration, Livelihood and Vulnerability in India: a Case Study**, DFID, UK.
- Rafique, A., Rogaly, B., 2003, **Internal Seasonal Migration, Livelihoods and Vulnerability in India: a Case Study**, DFID.
- Rao, U., 1994, **Palamoor Labor: a Study of Migrant Labor in Maha Bubnagar District**, Hyderabad, C.D. Deshmukh Impact Center, Council for Social Development.
- Rogaly, B., 1998, **Workers on the Move: Seasonal Migration and Changing Social Relation in Rural India**, Journal of Gender and Development, Vol. 6, No. 1, pp. 21-30.
- Rogaly, B., 2003, **Who Goes? Who Stay Back? Seasonal Migration and Staying Put Among Rural Manual Workers in Eastern**, Journal of International Development, int.15, pp.623-632.
- Rogaly, B., Coparrd, D., 2003, **They Used to Go to Eat, Now They Go to Earn: The Changing Meanings of Seasonal Migration from Puruliya District in West Bengal, India**, Journal of Agrarian Change, Vol.3, pp.395-433, Migration Working Paper No 40-University of Sussex, UK.
- Rogaly, B., and et al., 2002, **Seasonal Migration and Welfare/Ill Fare in Eastern India: Asoial Analysis**, Journal of Development Studies, 38: 89-114.
- Sabzian, S., 1993, **Review of Rural Migration in the Province**, Ph.D Dissertation, Department of Sociology Faculty of Humanities, Tarbiat Modarres University.
- Serrat, O., 2008, the **Sustainable Livelihoods Approach**, Manila: ADB.
- Skeledon, R., 2003, **Rural Migration to the City and its Impact on Rural Poverty Reduction**, Translated by Hamid Reza Vejdani, Organization Registration Country.
- Stark, O., Simon Fan C., 2007, **the Analytics of Seasonal Migration**, Economics Letter, www.elsevier.com/locate/econbase.
- Statistical Center of Iran, **the Results of Detailed Population and Housing Census**, 2004.
- Taherkhani, M., Eftekhari Roknoddin, A.R., 2002, **Analyzes the Role of Interaction in the Evolution of the City and Rural Areas of Qazvin**, Modarres Journal, Vol. 8, No. 4, pp. 79-111.
- Timalsina, K.P., 2007, **Rural Urban Migration and Livelihood in the Informal Sector**, a Study of Street Vendor of Kathmandu Metropolitan City, Nepal, Masters of Philosophy Thesis in Development Studies, Department of Geography, NTNU University of Trondheim, Norway.
- Todaro, M., 1986, **Internal Migration in Developing Countries**, Translated by Raisi, Mostafa and sarmadi, Parvin, Publishing Institute of Labor and Social Affairs, Tehran.

Wedington, C., 2003, **Livelihood Outcome of Migration for Poor People Development Research Center on Migration**, Globalization and Poverty, Working Papers T1.

Zanjani, H., 2000, **Migration**, Samt, Tehran.

Zanjani, H., 2006, **Demographic Analysis**, Samt, Tehran.

Zohry, A., 2002, **Unskilled Temporary Labor Migration from Upper Egypt to Cairo**, CEDEJ, Conferance, www.egypt.org/zohrithesis.